

The Impact of Civic Accounting on Enhancing Corporate Accountability to Stakeholders

Mohammadali Parvishi¹, Meysam Arabzadeh², Mehdi Safari Graili³, Hassan Ghodrati⁴

¹ PhD., Student, Department of Accounting, Kas.C., Islamic Azad University, Kashan, Iran.
Mohammadali.Parvishi@iau.ir

² Department of Accounting, Kas.C., Islamic Azad University, Kashan, Iran (Corresponding author).
meysam.arabzadeh@iau.ac.ir

³ Department of Accounting, BG.C, Islamic Azad University, Bandargaz, Iran. Safari83@iau.ac.ir

⁴ Department of Accounting, Kas.C., Islamic Azad University, Kashan, Iran. 1262628717@iau.ac.ir

Abstract

Objective: In contemporary contexts, accounting extends beyond its legal obligations and assumes a broader social responsibility. Drawing on frameworks such as social accounting, it operates as an active mechanism responding to societal and capital market expectations. Rather than aligning solely with profit-driven ideologies, civic accounting seeks to promote equity and uphold stakeholder rights across all organizational levels. This study aims to design a civic accounting model as a form of social accounting and evaluate its impact on enhancing corporate accountability to stakeholders.

Method: This research adopts a quantitative approach. Data were analyzed using the Partial Least Squares (PLS) method. The statistical population in the year 2025 (Iranian calendar year 1404) includes managers of brokerage firms and experts from various sectors of the capital market. A sample of 384 individuals was selected using standard sampling techniques. The research instrument was a validated standard questionnaire.

Findings: The results indicate that the proposed six-dimensional civic accounting model comprising cognition, participation, information systems, strategic orientation, legitimacy, and foresight positively influences corporate responsiveness to stakeholders across legal, professional, and personal dimensions.

Conclusion: The foundational driver of civic accounting in restoring stakeholder rights is the infrastructure of the accounting information system. This infrastructure facilitates a more comprehensive understanding of market dynamics aligned with stakeholder needs. As the first empirical investigation into civic accounting, this study demonstrates that such a model enhances corporate accountability and contributes significantly to the social legitimacy of the capital market.

Keywords: Civic accounting, social accounting, corporate accountability, stakeholders.

Cite this article: Parvishi, M.A., Arabzadeh, M., Safari Graili, M. & Ghodrati, H. (2025). The Impact of Civic Accounting on Enhancing Corporate Accountability to Stakeholders. *Studies of ethics and behavior in accounting and auditing*, 5(3), p. 25-52. <https://doi.org/10.71907/sebaa.2025.5101213723>

Received: 2025/04/28 ; **Revised:** 2025/06/17 ; **Accepted:** 2025/07/18 ; **Published online:** 2025/10/02

Publisher: Qom Islamic Azad University **Article type:** Research Article

©2025/authors retain the copyright and full publishing rights



تأثير حسابداری مدنی بر ارتقاء پاسخگویی شرکت به ذینفعان

محمدعلی پرویشی^۱، میثم عربزاده^۲، مهدی صفری گرایلی^۳، حسن قدرتی^۴

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران. Mohammadali.Parvishi@iau.ac.ir

^۲ گروه حسابداری، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران (نویسنده مسئول). meysam.arabzadeh@iau.ac.ir

^۳ گروه حسابداری، واحد بندرگز، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرگز، ایران. Safari83@iau.ac.ir

^۴ گروه حسابداری، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران. 1262628717@iau.ac.ir

چکیده

هدف: امروزه حسابداری فراتر از وظایف قانونی، طبق نظریه‌هایی همچون حسابداری اجتماعی، به عنوان یک فرآیند کنشگر در مقابل انتظارات مطرح در بسترهای اجتماعی و بازار سرمایه مسئولیت فراساختاری دارد و در تقابل با ایدئولوژی‌هایی همچون سرمایه‌داری، درصدد توسعه برابری و رعایت حقوق ذینفعان در هر سطح و جایگاهی می‌باشد. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر طراحی مدل حسابداری مدنی به عنوان یک رویه حسابداری اجتماعی و بررسی تأثیر آن بر ارتقاء پاسخگویی شرکت به ذینفعان می‌باشد.

روش: پژوهش حاضر از لحاظ شیوه اجرا کمی است. داده‌های جمع‌آوری شده با روش حداقل مربعات جزئی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. جامعه آماری پژوهش در قلمرو زمانی سال ۱۴۰۴ شامل کارشناسان، روسای حسابداری و مدیران مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار است که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری کوکران تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ابزار پژوهش، پرسشنامه استاندارد است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد الگوی ۶ بُعدی حسابداری مدنی با ابعاد شناخت، مشارکت، سیستم اطلاعات، استراتژی‌ها، مشروعیت و آینده‌نگری بر پاسخگویی شرکت‌ها به ذینفعان در ابعاد قانونی، حرفه‌ای و فردی به‌صورت مستقیم و مثبت تأثیرگذار خواهد بود.

نتیجه‌گیری: محرک اولیه توسعه حسابداری مدنی در احیای حقوق ذینفعان، زیرساخت‌های سیستم اطلاعات حسابداری می‌باشد که به واحدهای حسابداری کمک می‌کند تا شناخت فراگیرتری از بازار و تغییرات آن در راستای نیاز ذینفعان داشته باشند. بر این اساس، پژوهش حاضر به عنوان اولین پژوهش در حوزه پیاده‌سازی حسابداری مدنی نشان داد، پاسخگویی شرکت به ذینفعان در سایه چنین الگویی ارتقاء خواهد یافت که حصول مشروعیت اجتماعی بازار سرمایه از مهم‌ترین پیامدهای آن خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: حسابداری مدنی، حسابداری اجتماعی، ذینفعان.

استاد به این مقاله: پرویشی، محمدعلی؛ عربزاده، میثم؛ صفری گرایلی، مهدی؛ قدرتی، حسن (۱۴۰۴). تأثیر حسابداری مدنی بر ارتقاء پاسخگویی شرکت به ذینفعان. *مطالعات اخلاق و رفتار در حسابداری و حسابرسي*، ۵(۳)، ص ۲۵-۵۲.

<https://doi.org/10.71907/sebaa.2025.5101213723>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۲۰/۰۸؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۳/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۶؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

نوع مقاله: پژوهشی

© ۱۴۰۴ / نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند.

۱. مقدمه

ارتباط بین محیط اجتماعی و حرفه حسابداری به ویژه ماهیت انتفاع آن توسط اندیشمندان مختلفی همچون آپوستول^۱ (۲۰۱۵) و گری و همکاران^۲ (۲۰۰۶) مطرح شده است. حوزه‌ای که حسابداری را به عنوان یک نیروی کنشگر که نقش آن به عنوان فعالیت‌های مختلف اجتماعی مورد اهمیت می‌باشد، تعریف می‌نماید. در واقع حسابداری در شکل مدنی یک واقعیت اجتماعی تلقی می‌گردد، چراکه در تقابل با ایدئولوژی همچون سرمایه‌داری، درصدد توسعه برابری و رعایت حقوق ذینفعان در هر سطح و جایگاهی می‌باشد. به عبارت دیگر، حسابداری مدنی مبتنی بر یکپارچگی شاخص‌های اجتماعی و حسابداری در جهت دیدگاه جامعه‌شناسانه‌ای است که تغییرات محیط اجتماعی را به عنوان یک نیاز تلقی نموده و تلاش دارد تا با توسعه ابعاد حسابداری مدنی، به این نیاز پاسخ شفاف ارائه دهد (فریرا و همکاران^۳، ۲۰۲۱). با ایجاد این دیدگاه، دیگر حسابداری صرفاً نقش تخصصی خود را دنبال نمی‌کند، بلکه در کنار ویژگی‌های فنی به دنبال پاسخ به سطح انتظارات اجتماعی است، که ممکن است تحت تأثیر منفعت‌طلبی صاحبان قدرت، حقوق اقلیت‌ها تضییع شده باشد. لذا، حسابداری مدنی گستره‌ای از ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و ارزش‌های رفتاری را دربرمی‌گیرد تا درک تعاملات اجتماعی، نقش موثرتری در ارتقای پاسخگویی به ذینفعان را ایفا کند (هال و اُدیر^۴، ۲۰۱۷). به عبارت دیگر، حسابداری مدنی، فرآیندی متعامل بین حسابداری و محیط اجتماعی است، که اهداف کمی و گاه کیفی را از نظر آزادی‌های اجتماعی همچون دسترسی برابر به اطلاعات و رعایت حقوق مدنی ذینفعان دنبال می‌نماید. نکته مهم و قابل توجه این است که در این رویکرد، حسابداری صرفاً یک روش عینی محض نیست، بلکه سازوکاری تأثیرگذار بر اقتصاد و مدیریت اجتماعی است و تحت تأثیر فرآیندهای اجتماعی، کارکردهای اثربخشی از خود به نمایش می‌گذارد تا سطح اطمینان اجتماعی به حسابداری مورد خدشه قرار نگیرد (گرینهل و هاردین^۵، ۲۰۱۴). شرایط ایجاد تغییر حسابداری از اثبات‌گرایی به عینیت و ذهنیت‌گرایی با هدف توسعه حسابداری مدنی، غالباً تحت تأثیر آگاهی‌های اجتماعی می‌تواند اثربخشی متفاوتی بر ذینفعان داشته باشد؛ زیرا حسابداری مدنی از یک‌سو، تحت تأثیر مباحث و فرآیندهای محیط اجتماعی و از سوی دیگر تحت تأثیر چارچوبی از قوانین (استانداردها) و نظریه‌ها قرار دارد که می‌تواند بسته به شکل

1. Apostol
2. Gray
3. Ferreria
4. Hall & O'Dwyer
5. Greenhalgh & Harradine

هنجارهای اجتماعی، شکاف موجود بین واحدهای حسابداری در قامت یک شرکت با ذینفعان را از منظر اطلاعاتی و ارتقای سطح برابری تصمیم‌گیری پر نمایند (اقدام مزرحه و همکاران، ۱۳۹۸). براساس این تعریف، باتوجه به اینکه حرفه حسابداری از محیط پیرامونی خود تأثیر می‌گیرد و رویکردها و روش‌های حسابداری نیز تحت تأثیر این تغییرات محیطی هستند، لذا رشد و توسعه حسابداری مدنی به شکل اثربخشی به پذیرش‌های اجتماعی بستگی دارد. در این مسیر پذیرش وابسته به اعتمادی است که حسابداری براساس پیوند بین اجتماع و الزامات به شکل پاسخگویی موثرتر از خود به نمایش می‌گذارد (صفرزاده‌بندری و جودکی چگنی، ۱۴۰۰). تحت چنین شرایطی، حسابداری مدنی از بسترهای اثبات‌گرایی فاصله می‌گیرد و سایر کارکردهای عینیت‌گرایانه در راستای منافع عمومی جامعه را دنبال می‌نماید که باعث پاسخگویی بیشتر به ذینفعان می‌گردد. حسابداری مدنی مجموعه‌ای از رویه‌های حسابداری در حوزه‌های اجتماعی، تخصصی و معرفت‌شناسی را شامل می‌شود که هدف آن ایجاد توازن و عدالت در بین ذینفعان می‌باشد. از طرف دیگر، گری و همکاران (۲۰۱۳) حسابداری مدنی را کارکردی از افشاء صادقانه، به موقع و قابل اتکاء برای کلیت ذینفعانی تلقی می‌کند که فارغ از فرصت‌طلبی صاحب‌منصبان قدرت، تلاش می‌کند تا از حقوق اقلیت‌ها دفاع نماید و در ارائه گزارش صورت‌های مالی، به اعتدال رفتار نماید. لذا، می‌توان ضرورت انجام این پژوهش را از دو منظر مورد بررسی قرار داد. اولاً، این نخستین پژوهشی است که ضمن ارائه مدل حسابداری مدنی، به بررسی تأثیر آن بر ارتقاء پاسخگویی شرکت به ذینفعان می‌پردازد. رویکردی که در سطح پژوهش‌های داخلی و بین‌المللی مورد توجه قرار نگرفته و انجام این پژوهش می‌تواند از یک‌سو به افزایش اثرگذاری ظرفیت‌های تئوری در کارکردهای اخلاقانه رعایت حقوق ذینفعان منجر شود و از سوی دیگر به بهبود پاسخگویی شرکت در برابر ذینفعان کمک نماید. لذا، مرور پژوهش‌های گذشته همچون ریتولازا و سن‌خوزه^۱ (۲۰۲۱) که به بررسی «درک حسابداری اجتماعی»، لازکانو و برازا^۲ (۲۰۱۹) «حسابداری اجتماعی برای پایداری» و کیلیان و آریگان^۳ (۲۰۱۶) «حسابداری اجتماعی و خلق مشروعیت» پرداخته‌اند، حکایت از تصدیق این ادعا دارد که اگرچه موضوع حسابداری اجتماعی و مشروعیت مورد توجه بوده است، اما ارائه مدل حسابداری مدنی و تأثیر آن بر پاسخگویی به ذینفعان تاکنون مورد توجه قرار نگرفته و انجام این پژوهش می‌تواند به توسعه ادبیات نظری در این حوزه نیز کمک نماید. ثانیاً، انتظار می‌رود نتایج این پژوهش بتواند دستاوردهایی برای قانون‌گذاران

بازار سرمایه، به‌ویژه سازمان بورس و اوراق بهادار و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری داشته باشد و این نهادها، با شناخت بهتر و درک بیشتر از مولفه‌های موثر بر حسابداری مدنی، در راستای بهبود پاسخگویی به ذینفعان و ایجاد مشروعیت بیشتر در سطح مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها در قبال سهامداران گام بردارند.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱. پاسخگویی شرکت

تغییر ماهیت پاسخگویی در جنبه‌های مختلف سازمانی، باعث شده تا کاربرد این واژه در گذشته به شکل اغراق‌آمیزی صرفاً ساختاری تلقی گردد، در حالی که تغییر در زمینه‌های مختلف سازمان باعث شد تا پاسخگویی بیشتر به سمت مسئولیت‌پذیری حرکت نماید (سینکلیر^۱، ۱۹۹۵). در زمان ظهور این مفهوم، بیشتر بر جنبه‌های فردی مسئولیت‌پذیری تأکید می‌شد، در حالی که دامنه توسعه این مفهوم، از منظر اثربخشی به سمت جمع‌گرایی حرکت نمود. به عبارت دیگر، یعنی پاسخگویی علاوه بر اینکه مسئولیت‌پذیری جمعی تلقی می‌شد، می‌بایست به عنوان یک بینش فردی نیز مدنظر قرار می‌گرفت. دویبنک^۲ (۲۰۰۵) به عنوان یکی از پیشروان این عرصه در مدیریت تمایل دارد تا مسئولیت‌پذیری را به عنوان یک بخش جدایی‌ناپذیر پاسخگویی ببیند، به جای اینکه پاسخگویی را به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر مسئولیت‌پذیری در نظر بگیرد. مولگان^۳ (۲۰۰۳) اما پاسخگویی را مبنایی از سه رویکرد تعریف می‌کند که در شکل (۱) این ابعاد مشخص شده‌اند.



شکل ۱- ابعاد پاسخگویی از نظر مولگان

1. Sinclair
2. Dubnick
3. Mulgan

طبق این ساختار، پاسخگویی از طریق تعامل‌پذیری بین فردی و سازمانی، منجر به شکل‌دهی مبادله اجتماعی می‌شود و این مسئله می‌تواند همسوسازی و ضمانت اجرای نظارت‌های نهادی برای اقناع نیازها و انتظارات ذینفعان را به همراه داشته باشد. در این ساختار فرد مسئول جهت پاسخگویی، حق اختیاری را تقبل می‌نماید که می‌بایست در برابر حقوق خواهان پاسخ، یعنی شهروندان، مشتریان یا ارباب رجوع، از طریق ضمانت‌های اجرایی، خود را ملزم به پاسخگویی نماید (لی و همکاران^۱، ۲۰۲۳). از طرف دیگر، بوونز^۲ (۲۰۰۵) در بسط مفهومی پاسخگویی، به دو جنبه پاسخ‌خواهی و پاسخگویی فردی می‌پردازد. این تقابل در نیازها و انتظارات، باعث می‌شود تا خواسته‌ها به عاملی برای پاسخگویی بدل شود و میدان رضایت از عملکردها گشادتر شود. در واقع بوونز (۲۰۰۵) دامنه پاسخگویی برای تبدیل شدن به یک باور فردی، نیازمند محرک‌هایی از جنس فلسفی و معنوی‌گرایی در وجدان بیدار فردی است که باعث می‌شود تا سه عنصر تعهد و الزام فردی به محیط اجتماعی و محکمه‌ها نظیر بازارها، دادگاه‌ها و عامه مردم، توانایی نهادی در پاسخگویی بالاتر و توانایی قضاوت تحمیل ضمانت‌های اجرایی قوانین توسعه‌یابند (فاوری-مارچسی و پینکوس^۳، ۲۰۰۶).



شکل ۲- پیامدهای پاسخگویی یک واحد در محیط اجتماعی

همه اشکال پاسخگویی، در کنار قوانین و الزامات، به هنجارهایی برای توسعه نیاز دارند که بتواند بستری از تعامل‌گرایی را ایجاد کند. در ادامه یکی از مهم‌ترین طبقه‌بندی‌های نظری در حوزه پاسخگویی که توسط ارکیلا^۴ (۲۰۰۷) ارائه شده، آمده است.

جدول ۱- طبقه‌بندی انواع پاسخگویی

انواع پاسخگویی	ماهیت	سازوکارهای پاسخگویی	ساختارهای پاسخ
پاسخگویی سیاسی	دموکراتیک و بیرونی	عمومی	دولتی/سیاسی
پاسخگویی بروکراتیک	ساختاری سازمانی	سلسله‌مرتب و رویه‌ای	بوروکراسی سازمانی

1. Li
2. Bovens
3. Favere-Marchesi & Pincus
4. Erkkila

انواع پاسخگویی	ماهیت	سازوکارهای پاسخگویی	ساختارهای پاسخ
پاسخگویی شخصی	هنجارگرایی اخلاقی	فرهنگ‌ها و ارزش‌های رفتاری	فردی و جمعی‌گرایانه
پاسخگویی حرفه‌ای	پیچیده و مبتنی بر تخصص‌ها	ارتقاء مهارت‌های حرفه‌ای	یادگیری
پاسخگویی عمل‌گرایانه	ستادی و مشتری‌مدارانه	رقابتی و خود تنظیمی	بازار
پاسخگویی گفتمان مشترک	تعاملی و ارتباط‌گرایانه	بحث و گفتگو در قالب واحدها	پایداری

همانطور که این طبقه‌بندی‌ها نشان می‌دهد، پاسخگویی ابعاد مختلفی دارد که برحسب ماهیت، سازوکارهای پاسخگویی متفاوتی را شامل می‌شود که تحت وجود ساختارهای پاسخ می‌تواند به رضایتمندی منجر شود.

۲-۲. حسابداری مدنی

شروع گسترش رویکرد مدنی در علوم انسانی به دیدگاه‌های کتز^۱ (۱۹۶۴) برمی‌گردد که بعدها اسمیت و همکاران^۲ (۱۹۸۳)، بسط این مفهوم در رشته‌های علوم انسانی از مدیریت تا روانشناسی را گسترش دادند. در واقع هدف از این مفهوم اثرگذاری احساس جمعی‌گرایانه در گروهی از افراد برای ارتقاء احساس مسئولیت و درکی فراتر از آنچه که جنبه‌های رسمی و یا صرفاً تخصصی از آن‌ها انتظار داشت، است (چالرز^۳، ۲۰۰۱). در واقع مدنیت نگاه صرف افراد از عملکردهای ساختاری را به سمت انگیزه‌های فراساختاری سوق داد و کمک نمود تا اخلاق‌گرایی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در کنار مسئولیت‌های تخصصی و رسمی، مورد توجه قرار گیرد و به تدریج نگاه یک‌طرفه و غالب ساختاری و اصطلاحاً بوروکراتیک به نگاه تعامل، برابری انسانی و سپس پاسخگویی شهروندی تغییر داده شود (ارشدی و هاشمی شیخ‌شبانی، ۱۳۸۸). اما ورود این مفهوم به عرصه‌های بازرگانی شاید سرآغاز شکل‌گیری آن در قامت حسابداری مدنی بود؛ زیرا قبل از ورود مدنیت به حوزه بازرگانی، این مفهوم در دانش سازمانی پدید آمده بود (والش و ماگلی^۴، ۲۰۲۰). در واقع مدیریت بازرگانی ماهیت صرفاً سود را به ماهیت رفتارهای شهروندی تغییر داد و این موضوع زمینه‌ساز تغییر در پارادایم‌های کلاسیک گردید. لذا، بسیاری از نظریه‌های حوزه حسابداری مدیریت با تلاش برای ایجاد مشروعیت شرکت‌ها، آگاهانه یا سهواً تلاش نمودند تا به مدنی‌سازی در حسابداری کمک نمایند (لی‌پستو و همکاران^۵،

1. Katz
2. Smith
3. Charles
4. Walsh & Magley
5. Lepistö

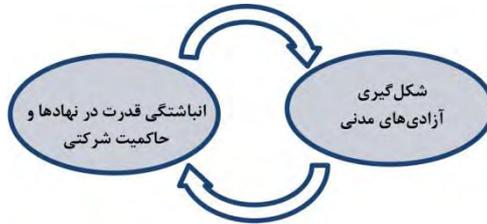
۲۰۲۰). لذا، مدنیت را می‌بایست در این دانش به دو منظر نوع دوستی^۱ و وظیفه‌شناسی^۲ وابسته دانست.



شکل ۳- هسته بنای مفهومی مدنیت در دانش حسابداری (لی‌بیستو و همکاران، ۲۰۲۰)

در واقع همانطور که شکل (۳) نشان می‌دهد، مدنیت‌گرایی براساس نوع‌دوستی احساس مسئولیت در برابر دیگران و بر مبنای وظیفه‌شناسی، تعهد و اخلاق‌گرایی در قبال قبول مسئولیت‌ها را بیان می‌کند. اما مسئله حسابداری مدنی، فراتر از شکل عاطفی به دیگران، و پایبندی به استانداردها تلقی می‌شود (اقدام‌مزرعه و همکاران، ۱۳۹۸). به عبارت دیگر، مسئله حسابداری، حرکت بر مداری از رعایت حقوق تمامی افرادی است که مستقیم و غیرمستقیم با مسئله برابری و عدالت مواجه هستند؛ زیرا ذات حسابداری ایجاد مسئولیت در برابر منافع همه افرادی است که حتی در سایه تملک‌طلبی صاحب‌منصبان قدرت می‌تواند به عدالت کمک نماید (بلکویی^۳، ۱۹۸۳). با گریزی به قانون تجارت می‌توان به اهمیت نقش حسابداری در حفظ حقوق مدنی پی برد، موضوعی که در مدل سیستم‌های اجتماعی، جامعه مدنی را نوعاً ارائه‌دهنده ارزش‌ها و پارامترهای حاکمیت تلقی می‌کند که تلاش می‌کنند از حسابداری به عنوان ابزاری جهت حفاظت از منافع اقلیت‌ها در برابر فرصت‌طلبی دیگران، بهره‌برند. یکی دیگر از پیوندهای بین حسابداری با رویکرد مدنیت، به کنش‌های ارتباطی لافین^۴ (۲۰۰۷) در خصوص توسعه حسابداری دموکراتیک برمی‌گردد که رویکردی دوسویه و چرخشی میان این دو را بیان می‌کند.

1. Philanthropy
2. Conscientiousness
3. Belkaoui
4. Laughlin



شکل ۴- بسط رویکرد دموکراسی به حسابداری مدنی

همانطور که شکل (۴) نشان می‌دهد، نهادگرایان شامل سیاستگذاران و ارکان حاکمیت شرکتی، جهت دستیابی به سطحی از برابری‌های مدنی، به تقویت مکانیسم راهبری مناسب و هماهنگ با جامعه اقدام می‌نمایند. براساس این دیدگاه، دموکراسی اساساً با نهادینه کردن قدرت در حاکمیت شرکتی، به دنبال اجرای ابلاغیه‌های تدوین شده توسط نهادهای بالادستی از یک سو و جلوگیری از منفعت‌طلبی اداره‌کنندگان شرکت‌ها از سوی دیگر هستند تا مانع از تضييع حقوق اقلیت‌ها در بسترهایی همچون بازار سرمایه گردند (دلگادو^۱، ۲۰۲۱). لذا، با ایجاد چرخه تعاملی مستمر بین نهادگراها با حاکمیت شرکتی، فرایند آزادی‌های مدنی و اندیشه‌های اجتماعی به عنوان ارزش در حسابداری نهادینه می‌شود؛ زیرا حسابداری به عنوان اهرم اجرای تصمیم‌های نهادی می‌تواند به رعایت حقوق مدنی کمک نماید؛ زیرا جامعه در راستای آزادی‌های مدنی خود با فشار بر ارکان تصمیم‌گیر، به دنبال تدوین مدل‌های تصمیم مناسب در سازمان‌ها و شرکت‌ها می‌باشند تا حقوق آنان تضييع نگردد (ارهاردت و همکاران^۲، ۲۰۲۲). نکته حائز اهمیت این است که با تغییرات اساسی در ۲۵ سال گذشته، پژوهش‌های حسابداری به طور با اهمیتی بر گستره‌ای از مسئولیت‌پذیری اجتماعی بنا شده‌اند که مدنیت‌گرایی می‌تواند در شرایط بحرانی جوامع و اقتصادهای ناپایدار، سرآمدی دارای مشروعیت تلقی گردد که به ایجاد اعتماد ذینفعان کمک می‌نماید (گری و همکاران، ۲۰۱۳).

۲-۱. ابعاد زمینه‌ای حسابداری مدنی

براساس الگوی ارائه شده توسط پرویشی و همکاران (۱۴۰۲)، جهت توسعه حسابداری مدنی در عرصه‌های بازار سرمایه، مهم‌ترین محرک سیستم‌های اطلاعاتی است که به حسابداری کمک می‌نماید تا انتظارات اجتماعی گروه‌های مختلف را به شکل یک ارزش وارد سیستم نماید تا شناخت نسبت به کمبودهای حسابداری به عنوان یک کارکرد مدنی در سیستم‌های حسابداری توسعه یابد و به واحدهای حسابداری کمک نماید تا با اتخاذ استراتژی‌های عملیاتی، شکل ارتباط بین حسابداری با

1. Delgado
2. Erhardt

ذینفعان را متعامل تر نماید و از این طریق، با ایجاد اعتماد به حسابداری، زمینه ارتقاء مشروعیت‌های مدنی را به عنوان وجهی از کارکردهای حرفه‌ای حسابداری در سطح بازار سرمایه توسعه بخشند. این مدل سیستمی نشان می‌دهد، اگرچه آینده‌نگری در حسابداری مدنی محرک ثانویه است، اما به دلیل عدم پیوند مشخص بین این بعد با سیستم اطلاعات حسابداری، می‌توان اینگونه استنباط نمود که مفهوم حسابداری مدنی به عنوان یکی از مفاهیم نوظهور تلقی می‌شود که پارادایم‌های اولیه آن در حال شکل‌گیری و تقابل با پارادایم‌های کلاسیک در دانش حسابداری بوده و در حال حاضر چندان ارزش‌های مشخص و ملموسی برای آن نمی‌توان متصور بود. لذا این مدل در یک‌سو، سیستم اطلاعاتی را به عنوان نقش غربالگری واحد حسابداری در ارتقاء شناخت از مدنیت قرار می‌دهد و در سوی دیگر، مشروعیت را به عنوان یک التزام مدنی در حرفه حسابداری در بسترهای اجتماعی قلمداد می‌کند که می‌تواند در تعهد فراگیر حسابداری نسبت به رعایت حقوق حداکثری ذینفعان مؤثر باشد و مانع از تضییع حقوق اقلیت‌ها و ایجاد تبعیض‌های جنسیتی گردد. شکل (۵) ابعاد حسابداری مدنی را نشان می‌دهد.



شکل ۵- ابعاد زمینه‌ای حسابداری مدنی

۳-۲. حسابداری مدنی و پاسخگویی شرکت

حسابداری مدنی به عنوان یکی از مبانی نظری در حرفه حسابداری از اواخر قرن گذشته و اوایل قرن جاری به طور جدی در محافل علمی مورد بحث قرار گرفته است؛ تا آنجاکه بسیاری از نهادهای بین‌المللی در سیاست‌گذاری‌های خود به دلیل توسعه ادبیات نظری این مفهوم، مجبور به بررسی آن بوده‌اند (داوودی نصر و همکاران، ۱۳۹۷). در واقع به دلیل حضور سرمایه‌گذاران از اقشار مختلف

جامعه در سطح بازارهای سرمایه بین‌المللی، این موضوع امروزه فراتر از مباحث نظری و علمی مورد توجه قرار گرفته و بسیاری از نهادهای اجتماعی در تلاش برای قانونی نمودن آن در ساختارهای مالی کشورها و شرکت‌های مالی دنیا هستند. به عنوان مثال به موجب قانونی که در سال ۱۹۸۶ در معاملات بازار سرمایه کشور انگلستان با هدف توسعه برابر سرمایه‌گذاری تصویب گردید، نیازی به ارزیابی اهلیت سرمایه‌گذاران نیست (نوال و مرزوکی^۱، ۲۰۱۸)؛ موضوعی که در سال ۲۰۱۲ با هدف کاهش محدودیت‌های سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌گذاران خارجی، ورود به بازار سرمایه و بورس لندن را به عنوان یکی از راه‌های اخذ شهروندی کشورهای اتحادیه اروپا مصوب نمودند (پیترزمن^۲، ۲۰۱۹). نکته قابل اهمیت این است که امروزه تجارت در بسیاری از موارد با حقوق مدنی مرتبط است. بدین معنا که نهادهای تجاری ممکن است در جهت دستیابی به اهداف‌شان اخلاقیات، محیط و اجتماع را نادیده بگیرند و در درازمدت اثرات این موضوع گسترده بوده و به دلیل تناقض پیش آمده، ثبات از نظر اعتمادزایی را مورد خدشه قرار دهد (چاترچی و ان اس^۳، ۲۰۲۲). بی‌شک دوران رشد سرمایه‌داری که با ادغام و ترکیب شرکت‌های بزرگ همراه بود، اختلاس و تقلب را به عنوان یک عامل کاهنده اعتماد در بین ذینفعان توسعه داده که در جریان این پدیده‌ها، حسابداری هم مرتباً خود را روزآمد می‌کرد، تا بتواند با این پدیده‌های شوم که از یک‌سو منافع شهروندان را مورد تضییع قرار می‌داد و از سوی دیگر مانع مشروعیت حسابداری جهت پاسخگویی به ذینفعان در ارتقای شفافیت‌های مالی می‌شد، مقابله کند (گادارد^۴، ۲۰۲۱). به عبارت دیگر، از آنجاکه مسئولیت حسابداری در سه حوزه حرفه‌ای، قانونی و اجتماعی قابل بازنگری است، شاید به جرأت بتوان گفت که مسئولیت‌های اجتماعی این حرفه بسی فراتر از سایر حوزه‌های مسئولیتی آن می‌باشد؛ زیرا به توسعه اهداف مدنظر در حوزه شفافیت‌های اطلاعات کمک می‌نماید و زمینه را برای پاسخگویی به ذینفعان مهیاء می‌کند (تران و همکاران^۵، ۲۰۲۲). در واقع ارائه منافع اجتماعی^۶ به ذینفعان، می‌تواند به عنوان یک هدف فراگیر در حسابداری مدنی تلقی شود و هزینه‌های ناشی از ریسک سرمایه‌گذاری در سطح بازار سرمایه را برای آنان کاهش دهد. لذا، باتوجه به درخواست ذینفعان از حسابداری مبنی بر ارتقای سطح شفافیت و بهبود کیفیت اطلاعات مالی، حسابداری مدنی امروزه به تقویت نقش این حرفه در

1. Newell & Marzuki
2. Petersmann
3. Chatterjee & N.S.
4. Goddard
5. Tran
6. Social benefit

پاسخگویی به انتظارات کمک نموده و باعث شده تا مسئولیت اجتماعی از سطح پایداری بر خوردار باشد (بنایی قدیم و واعظ، ۱۴۰۰). چراکه حسابداری مدنی فرآیندی فراتر از الزامات قانونی است که به صورت داوطلبانه می تواند به ارتقاء سطح مشروعیت عمومی این حرفه کمک نماید و منافع بلندمدت پایداری برای برای اجتماع و ذینفعان ایجاد نموده و براساس کارکردهای استراتژیک به شرکت ها در بهبود جایگاه رقابتی و افزایش بازده و سودآوری بلندمدت تر کمک نماید. حسابداری مدنی مجموعه ای از رویه های حسابداری در حوزه های اجتماعی، تخصصی و معرفت شناسی را شامل می شود که هدف آن ایجاد توازن و عدالت در بین ذینفعان می باشد. از طرف دیگر، گری و همکاران (۲۰۰۶) حسابداری مدنی را کارکردی از افشاء صادقانه، به موقع و قابل اتکاء برای کلیت ذینفعانی تلقی می کند که فارغ از فرصت طلبی صاحب منصبان قدرت، تلاش می کند تا از حقوق اقلیت ها دفاع نماید و در ارائه گزارش صورت های مالی به اعتدال رفتار نماید. با توجه به بیان مطالب ارائه شده، حسابداری مدنی بر پاسخگویی شرکت به ذینفعان تاثیرگذار است که مبنای تدوین فرضیه پژوهش خواهد بود.

۴-۲. پیشینه پژوهش

لئون و همکاران^۱ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «نقش فراگیر حسابداری و پاسخگویی در شرایط اضطراری COVID-19 به ذینفعان»، از روش غربالگری محتوایی با تمرکز بر مرور مقاله های شماره ویژه مجله حسابداری، حسابرسی و پاسخگویی^۲ که به موضوعات نوظهور در زمینه نقش حسابداری و پاسخگویی در دوران همه گیری کرونا COVID-19 پرداخته بود، تلاش شد تا معیارهای مرتبط با این مفاهیم مورد بررسی قرار گیرد. نتایج از وجود دو مبنای اصلی در حسابداری و پاسخگویی حکایت داشت. اول اینکه تغییرات و خطرات شیوه های حسابداری و پاسخگویی در طول فراگیری کرونا نیازمند تغییر است؛ دوم، از طریق افشاء اطلاعات به شیوه های بلاغتی و گزارشگری به موقع نسبت به تغییر پاسخگویی به ذینفعان در پسا کرونا می بایست توجه لازم صورت گیرد.

آمونونکرماه و همکاران^۳ (۲۰۲۳) در مطالعه ای با عنوان «پاسخگویی به ذینفعان در عصر داده های بزرگ: مطالعه اکتشافی شرکت های پلت فرم آنلاین»، از تحلیل محتوای گزارش های سالانه و اسناد خط مشی داده های ۱۰۰ شرکت بستر آنلاین استفاده شد. به طور خاص، این مطالعه یک چارچوب جامع افشای کلان داده را برای ارزیابی ماهیت و میزان افشاهای ارائه شده در گزارش های شرکت ایجاد می کند. این چارچوب همچنین به ارزیابی تأثیر اندازه شرکت، صنعت و کشوری که در

1. Leoni

2. Accounting, Auditing & Accountability Journal

3. Amonoo Nkrumah

آن فعالیت می‌کنند، بر افشای اطلاعات کمک می‌کند. نتایج نشان داد بیشتر شرکت‌هایی که اطلاعات محدودی درباره نحوه مدیریت کلان داده‌ها ارائه می‌کنند، از سطح پاسخگویی پایین‌تری برخوردار هستند. به طور خاص، مسائل مهمی مانند تعامل با ذینفعان، نقض اطلاعات مشتری و گزارش‌دهی و مکانیسم‌های کنترلی تا حد زیادی در پاسخگویی این شرکت‌ها نادیده گرفته می‌شوند. از طرف دیگر، نتایج نشان می‌دهد، توجه فعلی عمدتاً به ذینفعان قدرتمندی مانند تنظیم‌کننده‌ها در نتیجه فشار انطباق معطوف شده است، در حالی که فشار پاسخگویی هنوز سرعت آن را حفظ نکرده است.

نتایج پژوهش زنیلاتو و تریئون-تودر^۱ (۲۰۲۲) با عنوان «بررسی چگونگی نقش ابعاد فرهنگی انتظارات اجتماعی در حسابداری: مورد گزارش‌دهی غیرمالی شرکت‌های دولتی اروپایی»، قبل از تغییرات مربوط به دستورالعمل‌های تمرکز بر ابعاد غیرمالی در گزارشگری شرکت‌های دولتی اروپایی حکایت از این داشت که هیچ یک از ابعاد فرهنگی هافستد، نتوانست نقشی در ارتقای سطوح افشای اطلاعات مالی براساس انتظارات اجتماعی داشته باشد. اما انجام تحلیل مقایسه‌ای کیفی نشان داد، پس از اجرایی شدن دستورالعمل اتحادیه اروپا^۲ (EUD) شیوه گزارشگری مبتنی بر ابعاد غیرمالی به شکل قابل ملاحظه‌ای مبتنی بر ابعاد فرهنگی توانست به افزایش کیفیت گزارشگری مالی برای ذینفعان کمک نماید. این نتایج در واقع راهی برای پاسخگویی بیشتر و افزایش مشروعیت شرکت‌ها در برابر مشتریان می‌باشد.

پرویشی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی مدل حسابداری مدنی را با رویکرد بازنمایی سیستمی ارائه نمودند. آنها برای طراحی مدل از طریق سه مرحله کدگذاری نسبت به شناسایی ابعاد مدل اقدام کردند و براساس تحلیل دلفی فازی از طریق میانگین بین راند اول و راند دوم دلفی برای تعیین سطح پایایی مدل اقدام گردید. یافته‌های پژوهش از وجود ۳ مقوله و ۶ مولفه و ۳۴ مضمون مفهومی در قالب یک مدل شش بُعدی حکایت دارد که محرک اولیه توسعه حسابداری مدنی در بازار سرمایه، زیرساخت‌های سیستم اطلاعات حسابداری می‌باشد که منجر به شناخت فراگیرتری از بازار و تغییرات آن توسط شرکت‌ها خواهد شد.

صفرزاده‌بندری و جودکی‌چگنی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «حسابداری منافع اجتماعی در بخش عمومی»، نشان دادند که افزون‌بر تعاریف منافع اجتماعی، به دلیل ایجاد تعهد و صرف منابع باید به شناسایی عناصری نظیر بدهی و هزینه، توجه ویژه‌ای داشت. به دلیل کاستی‌ها و خلأ پژوهشی در این زمینه، هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخش عمومی با ایجاد تفکر

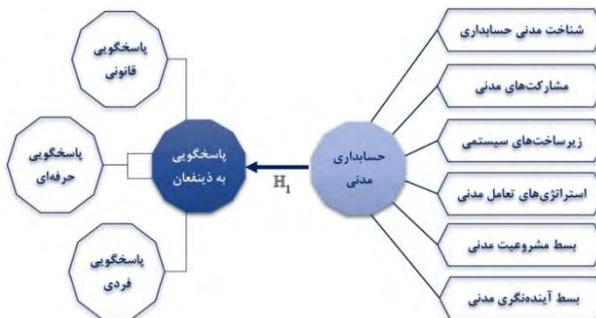
1. Zanellato & Tiron-Tudor

2. European Union Directive

جدیدی، از این فرصت برای بهبود مجموعه استانداردهای خود استفاده کرده و استاندارد منافع اجتماعی را در سال ۲۰۱۹ منتشر کرد. افزون بر این، پژوهش حاضر نگاه اجمالی به استاندارد بیمه اجتماعی فدرال و استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی داشته است. با توجه به اهمیت این موضوع و نبود شواهد تجربی کافی، پژوهش حاضر به دنبال بررسی منافع اجتماعی از جنبه‌های مختلف است. کرمی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «ارتقای سطح اعتماد اجتماعی با شناسایی و رتبه‌بندی راهبردهای بهبود کیفیت حسابداری از دیدگاه ذینفعان به روش فازی دوزنقه‌ای»، براساس حوزه‌های زنجیره تأمین گزارشگری مالی و از طریق مصاحبه با ذینفعان کلیدی و به کمک روش دلفی و آنتروپی فازی دوزنقه‌ای، جنبه‌های گوناگون کیفیت حسابرسی و رتبه‌بندی راهبردهای بهبود آن، مورد بررسی قرار گرفتند. از دیدگاه خبرگان راهبردهایی نظیر «افزایش مسئولیت پاسخگویی مدیران، اعمال نظارت قوی بر فعالیت مؤسسات حسابرسی در جهت رعایت کامل استقلال حرفه‌ای، نظارت و مراقبت حرفه‌ای، آموزش و کنترل کیفیت، اظهارنظر براساس شواهد بدون در نظر گرفتن فشارها، اعمال دستورالعمل‌های مطمئن برای ارجاع کار و نرخ‌بندی قراردادها براساس تعرفه مصوب، افزایش مسئولیت قانونی حسابرسان نسبت به گزارش‌های حرفه‌ای، به‌کارگیری مدیران مالی متعهد و متخصص و...» در راستای بهبود کیفیت حسابداری از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. مرور مطالعه‌های انجام شده نشان می‌دهد، موضوع حسابداری مدنی و بررسی تأثیر آن بر پاسخگویی شرکت به ذینفعان مورد توجه پژوهش‌های گذشته قرار نگرفته و این مطالعه با هدف تدوین یک چارچوب نظری نسبت به بسط آن در بازار سرمایه انجام شده است.

۳. مدل و فرضیات پژوهش

براساس مبانی و ادبیات پژوهش، مدل مفهومی و فرضیه پژوهش به شکل زیر است.
فرضیه پژوهش: حسابداری مدنی بر پاسخگویی شرکت به ذینفعان تأثیر معناداری دارد.



نمودار ۱- مدل مفهومی پژوهش

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت پژوهشی شبه تجربی و از نظر شیوه، کمی از نوع پیمایشی می‌باشد. فرضیات پژوهش در چارچوب مدل ارائه شده طبق نمودار (۱)، با بهره‌گیری از روش معادلات ساختاری، مورد بررسی قرار گرفت. تجزیه و تحلیل با روش تحلیل عاملی تاییدی و تحلیل تحلیل حداقل مربعات جزئی با استفاده از نرم‌افزار اسمارت پی.ال.اس^۱ انجام گرفت. قلمرو زمانی پژوهش سال ۱۴۰۴ است. در این پژوهش به منظور گردآوری ادبیات پژوهش و همچنین داده‌های پژوهش از متون کتابخانه‌ای و پرسش‌نامه استفاده شد. در بخش اول پرسشنامه اطلاعات جمعیت‌شناسی مشارکت‌کنندگان مورد سوال قرار گرفت. در بخش دوم، پرسشنامه‌های مربوط به سنجش متغیرها مطرح گردید. باتوجه به اینکه در مطالعه حاضر دو متغیر یعنی حسابداری مدنی و پاسخگویی به ذینفعان وجود دارند، به طوری که برای جمع‌آوری آن‌ها از شیوه‌های تحلیل کیفی و کمی اقدام می‌شود، لذا، متغیرهای استفاده شده در این پژوهش عبارتند از: متغیر مستقل پژوهش، حسابداری مدنی و متغیر وابسته پژوهش، پاسخگویی به ذینفعان. در این پژوهش برای سنجش متغیر حسابداری مدنی جهت آزمون فرضیه پژوهش، از پرسشنامه استاندارد پرویشی و همکاران (۱۴۰۲) که اعتبار و روایی آن نیز تایید گردیده، استفاده شده است. با توجه به معرفی ۶ مولفه برای حسابداری مدنی، پرسشنامه مذکور نیز از طریق شش سوال پژوهش در قالب مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای ارائه گردیده است. جهت سنجش متغیر پاسخگویی شرکت به ذینفعان، از پرسشنامه استاندارد بوونز^۲ (۲۰۰۷) استفاده شد. این پرسشنامه براساس سه خرده‌مقیاس و در قالب ۹ سوال براساس مقیاس لیکرت پنج گزینه‌ای طراحی و تدوین شده است. روایی این پرسشنامه توسط اساتید مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن برابر با ۰/۸۳ تعیین گردید که به دلیل اینکه بالاتر از ۰/۷ می‌باشد، مورد تأیید است. جامعه آماری این پژوهش کارشناسان، روسای حسابداری و مدیران مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار بودند که از طریق نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. لذا، به دلیل نبود آمار رسمی از تعداد دقیق مشارکت‌کنندگان در این بخش، برای تعیین حجم نمونه، از فرمول کوکران در جوامع نامحدود استفاده شد که نحوه محاسبه آن به شرح رابطه (۱) است:

$$n = \frac{Z_{\alpha/2}^2 pq}{d^2} \quad (1)$$

در این فرمول:

$$n = \text{تعداد نمونه} = Z_{\alpha/2} = \text{مقدار نرمال استاندارد یعنی عدد } 1/96$$

$n = \text{تعداد نمونه}$

1. P.L.S.
2. Bovens

$$pq = \text{نسبت صفت متغیر یعنی عدد } 0/5 \quad d^2 = \text{احتمال خطای اندازه‌گیری برابر با } 0/05$$

حال باتوجه به محاسبه انجام شده زیر:

$$\frac{1.96^2 \times 0.5 \times 0.5}{0.05^2} \cong 384$$

تعداد تقریبی حجم نمونه برابر با ۳۸۴ نفر می‌تواند باشد که بسته به سطح مشارکت اعضای جامعه هدف، این نسبت می‌تواند تغییر کند. ذکر این نکته حائز اهمیت است که باهدف تأمین ۱۰ درصدی توزیع پرسشنامه برای رسیدن به حد کفایت حجم نمونه تعیین شده، تعداد ۴۵۰ پرسشنامه توزیع گردید و براساس بازگشت پرسشنامه‌های توزیع شده، تعداد ۴۱۲ پرسشنامه به عنوان مبنای تعداد مشارکت‌کنندگان مدنظر قرار گرفت. جهت مشارکت بهتر و آزادی عمل پاسخگویان، پرسشنامه‌های ارسالی بدون قید نام پاسخ‌دهنده و نام شرکت ارسال شده بود تا پاسخ‌دهنده بتواند با آزادی کامل خود پاسخ دهد.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. آمار توصیفی

۵-۱-۱. یافته‌های جمعیت‌شناختی

در جدول (۲)، مشخصات نمونه شرکت‌کننده در پژوهش به تفکیک جنسیت، سن و سابقه کاری آمده است.

جدول ۲- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	معیارها	تعداد	درصد
جنسیت	مرد	۳۸۲	۹۲٫۷۳٪
	زن	۳۰	۷٫۲۸٪
	جمع	۴۱۲	۱۰۰٪
سن	بین ۴۰ تا ۵۰ سال	۳۷۵	۹۱٫۰۲٪
	بیشتر از ۵۰ سال	۳۷	۸٫۹۸٪
	جمع	۴۱۲	۱۰۰٪
مدرک	دکتری	۴۶	۱۱٪
	کارشناسی ارشد	۱۸۰	۴۴٪
	کارشناسی	۱۸۶	۴۵٪
جمع	۴۱۲	۱۰۰٪	
سابقه کاری	کمتر از ۲۰ سال	۹۲	۲۲٫۳۴٪
	بیشتر از ۲۰ سال	۳۲۰	۷۷٫۶۶٪
جمع	۴۱۲	۱۰۰٪	

۲-۱-۵. توصیف کمی متغیرهای تحقیق

بررسی آمار توصیفی داده‌ها نشان داد که متغیرهای پژوهش میانگین بالاتری نسبت به میانگین دامنه دارند و این نشان می‌دهد اعضای نمونه پژوهش به حسابداری مدنی و اثرات اجتماعی آن بر سایر متغیرهای پژوهش معتقدند. همچنین با توجه به نزدیکی میانگین و میانه متغیرها که نشان از تقارن توزیع متغیرها دارد، می‌توان گفت که همه متغیرها از توزیع نرمالی برخوردارند؛ زیرا تقارن یکی از ویژگی‌های توزیع نرمال است. همچنین براساس میزان کشیدگی و چولگی متغیرها که در بازه قابل قبول (۲، ۲-) قرار دارند، می‌توان اظهار داشت که همه متغیرها دارای توزیع متقارن و نرمال می‌باشند. آمار توصیفی نشان می‌دهد که تمامی متغیرها از لحاظ نرمال بودن در سطح قابل قبولی قرار دارند و براین اساس، از آزمون پارامتریک استفاده شده است.

جدول ۳- آمار توصیفی متغیرها و نرمال بودن داده‌ها

متغیرها	تعداد	میانگین	میانه	چولگی	کشیدگی	کمینه	بیشینه
حسابداری مدنی	۴۱۲	۳/۳۹	۳/۴۱	۱/۵۴	۰/۷۵	۱	۴/۹۵
پاسخگویی به ذینفعان	۴۱۲	۳/۶۵	۳/۷۸	۰/۷۹	-۰/۶۶	۱	۵

۲-۲-۵. آمار استنباطی

برای انجام تحلیل آماری و بررسی مدل مفهومی، از روش حداقل مربعات جزئی براساس معادلات ساختاری استفاده شده است. براساس تحلیل حداقل مربعات جزئی، مدل ساختاری به بررسی روابط درونی میان متغیرها می‌پردازد، در حالی که مدل اندازه‌گیری، رابطه میان ابعاد و گویه‌ها را بررسی می‌کند که در ادامه تشریح می‌گردد.

۲-۲-۵.۱. برازش مدل اندازه‌گیری

در برازش مدل‌های اندازه‌گیری از سه معیار پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده شد. به منظور بررسی پایایی مدل اندازه‌گیری پژوهش، از ضرایب بارهای عاملی، ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده گردید.

جدول ۴- ضرایب بارهای عاملی

فاکتورها	اختصار	سوالات	بارعاملی	فاکتورها	اختصار	سوالات	بارعاملی
شناخت حسابداری مدنی	CK	CK1	۱/۰۰	پاسخگویی قانونی	LA	LA1	۰/۸۹۰
مشارکت حسابداری مدنی	CP	CP2	۱/۰۰			LA2	۰/۸۷۱
سیستم اطلاعات حسابداری مدنی	CS	CS3	۱/۰۰			LA3	۰/۸۴۵

فاکتورها	اختصار	سوالات	بارعاملی	فاکتورها	اختصار	سوالات	بارعاملی
استراتژی‌های حسابداری مدنی	PA	PA4	۰/۸۱۱	پاسخگویی حرفه‌ای	PA	CT4	۱/۰۰
		PA5	۰/۷۷۳			CL5	۱/۰۰
		PA6	۰/۷۴۲			CL	۱/۰۰
مشروعیت حسابداری مدنی							
آینده‌نگری حسابداری مدنی							
حسابداری مدنی	IA	IA7	۰/۶۲۰	پاسخگویی فردی	IA	CF6	۱/۰۰
		IA8	۰/۸۴۷			CA	۱/۰۰
		IA9	۰/۸۸۲				

مقدار ملاک برای مناسب بودن ضرایب بارهای عاملی، $0/4$ می‌باشد. مطابق با جدول (۴)، تمامی اعداد ضرایب بارهای عاملی سوالات از $0/4$ بیشتر است که نشان از مناسب بودن این معیار دارد. مطابق با الگوریتم تحلیل داده‌ها در PLS، بعد از سنجش بارهای عاملی سوالات، نوبت به محاسبه و گزارش ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی می‌رسد، که نتایج آن در جدول (۵)، آمده است.

جدول ۵- نتایج معیار آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی متغیرهای پنهان پژوهش

متغیرهای مکنون	اختصار	ضریب آلفای کرونباخ (Alpha>0.7)	ضریب پایایی ترکیبی (CR>0.7)
شناخت حسابداری مدنی	CK	۱/۰۰	۱/۰۰
مشارکت حسابداری مدنی	CP	۱/۰۰	۱/۰۰
سیستم اطلاعات حسابداری مدنی	CS	۱/۰۰	۱/۰۰
استراتژی‌های حسابداری مدنی	CT	۱/۰۰	۱/۰۰
مشروعیت حسابداری مدنی	CL	۱/۰۰	۱/۰۰
آینده‌نگری حسابداری مدنی	CF	۱/۰۰	۱/۰۰
حسابداری مدنی	CA	۱/۰۰	۱/۰۰
پاسخگویی قانونی	LA	۰/۷۴۷	۰/۸۰۶
پاسخگویی حرفه‌ای	PA	۰/۷۷۰	۰/۸۱۹
پاسخگویی فردی	IA	۰/۷۸۶	۰/۸۳۲
پاسخگویی به ذینفعان	SA	۰/۷۶۱	۰/۸۶۴

باتوجه به اینکه مقدار مناسب برای آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی $0/7$ است و مطابق با یافته‌های جدول (۵) این معیارها در مورد متغیرهای مکنون مقدار مناسبی را اتخاذ نموده‌اند، لذا، می‌توان مناسب بودن پایایی مدل‌های اندازه‌گیری پژوهش را تأیید نمود. معیار دوم در بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری، روایی همگرا است که به بررسی میزان همبستگی هر سازه با سوالات (شاخص‌ها) خود می‌پردازد.

جدول ۶- نتایج روایی همگرایی متغیرهای پنهان پژوهش

متغیرهای مکنون	اختصار	میانگین واریانس استخراجی (AVE>0.5)
شناخت حسابداری مدنی	CK	۱/۰۰
مشارکت حسابداری مدنی	CP	۱/۰۰
سیستم اطلاعات حسابداری مدنی	CS	۱/۰۰
استراتژی‌های حسابداری مدنی	CT	۱/۰۰
مشروعیت حسابداری مدنی	CL	۱/۰۰
آینده‌نگری حسابداری مدنی	CF	۱/۰۰
حسابداری مدنی	CA	۱/۰۰
پاسخگویی قانونی	LA	۰/۵۹۶
پاسخگویی حرفه‌ای	PA	۰/۶۰۲
پاسخگویی فردی	IA	۰/۶۲۷
پاسخگویی به ذینفعان	SA	۰/۶۸۲

باتوجه به اینکه مقدار مناسب برای AVE، ۰/۵ است و مطابق با یافته‌های جدول (۶)، این معیار در مورد متغیرهای مکنون مقدار مناسبی را اتخاذ نموده، در نتیجه مناسب بودن روایی همگرایی پژوهش تأیید می‌شود. روایی واگرا معیار سوم بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری می‌باشد. روایی واگرای قابل قبول يك مدل، بیانگر آن است که يك سازه در مدل، نسبت به سازه‌های دیگر تعامل بیشتری با شاخص‌هایش دارد. باتوجه به جدول (۷)، مقدار جذر میانگین مقادیر اشتراکی متغیرهای پنهان در پژوهش حاضر که در خانه‌های موجود در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته‌اند، از مقدار همبستگی میان آن‌ها که در خانه‌های زیرین و راست قطر اصلی قرار دارند، بیشتر است.

جدول ۷- ماتریس فورنل و لارکر جهت بررسی روایی واگرا

متغیرها	نماد	CK	CP	CS	CT	CL	CF	CA	LA	PA	IA	SA
شناخت حسابداری مدنی	CK	۱/۰۰										
مشارکت حسابداری مدنی	CP	۰/۶۷۸	۱/۰۰									
سیستم اطلاعات حسابداری	CS	۰/۶۵۶	۰/۶۱۰	۱/۰۰								
استراتژی‌های حسابداری	CT	۰/۲۹۳	۰/۳۵۰	۰/۴۴۲	۱/۰۰							
مشروعیت حسابداری مدنی	CL	۰/۱۴۸	۰/۲۴۲	۰/۲۶۹	۰/۵۷۲	۱/۰۰						
آینده‌نگری حسابداری	CF	۰/۳۳۳	۰/۲۴۹	۰/۴۶۰	۰/۴۱۱	۰/۵۵۹	۱/۰۰					
حسابداری مدنی	CA	۰/۷۲۴	۰/۷۳۱	۰/۷۷۳	۰/۷۳۰	۰/۶۶۴	۰/۶۷۸	۱/۰۰				
پاسخگویی قانونی	LA	۰/۱۳۱	۰/۲۳۶	۰/۰۱۳	۰/۳۱۹	۰/۲۶۲	۰/۲۵۳	۰/۲۹۴	۰/۷۷۲			

متغیرها	نماد	CK	CP	CS	CT	CL	CF	CA	LA	PA	IA	SA
پاسخگویی حرفه‌ای	PA	۰/۴۰۹	۰/۵۱۴	۰/۲۵۶	۰/۲۳۸	۰/۲۰۱	۰/۰۵۶	۰/۴۰۲	۰/۴۹۷	۰/۷۷۶		
پاسخگویی فردی	IA	۰/۴۵۸	۰/۴۶۴	۰/۴۵۱	۰/۳۱۵	۰/۳۵۰	۰/۳۵۷	۰/۵۵۵	۰/۳۷۷	۰/۷۰۸	۰/۷۹۲	
پاسخگویی به ذینفعان	SA	۰/۴۳۰	۰/۵۲۱	۰/۳۲۴	۰/۳۴۷	۰/۳۱۵	۰/۲۴۵	۰/۵۱۶	۰/۷۱۲	۰/۸۹۶	۰/۸۶۴	۰/۸۲۶

باتوجه به نتایج پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا مشاهده می‌شود که مدل‌های اندازه‌گیری مدل معادلات ساختاری پژوهش به نحوی مطلوب، توانایی اندازه‌گیری متغیرهای پنهان پژوهش را دارند. لذا، در ادامه برازش مدل ساختاری پژوهش بررسی می‌گردد.

۲-۲-۵. برازش مدل ساختاری

پس از سنجش روایی و پایایی مدل اندازه‌گیری، مدل ساختاری از طریق روابط بین متغیرهای مکنون ارزیابی شد. در پژوهش حاضر از دو معیار ضریب تعیین (R^2) و ضریب قدرت پیش‌بینی (Q^2) استفاده شده است. R^2 معیاری است که نشان از تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا دارد. مطابق با شکل (۶)، مقدار R^2 برای سازه‌های درون‌زای پژوهش محاسبه شده که می‌توان مناسب بودن برازش مدل ساختاری را تأیید نمود. در ضمن، به منظور بررسی قدرت پیش‌بینی الگو از معیاری با عنوان Q^2 استفاده شد. باتوجه به نتایج این معیار در جدول (۸)، می‌توان نتیجه گرفت که مدل، قدرت پیش‌بینی «قوی» دارد.

جدول ۸- مقادیر ضریب تعیین (R^2) و ضریب قدرت پیش‌بینی (Q^2)

متغیرها	اختصار	Q^2	R^2
شناخت حسابداری مدنی	CK	۰/۵۲۴	۰/۵۲۱
مشارکت حسابداری مدنی	CP	۰/۵۳۴	۰/۵۳۱
سیستم اطلاعات حسابداری مدنی	CS	۰/۵۹۸	۰/۵۹۵
استراتژی‌های حسابداری مدنی	CT	۰/۵۲۳	۰/۵۲۸
مشروعیت حسابداری مدنی	CL	۰/۴۴۱	۰/۴۳۷
آینده‌نگری حسابداری مدنی	CF	۰/۴۶۰	۰/۴۵۶
پاسخگویی قانونی	LA	۰/۵۰۷	۰/۲۹۵
پاسخگویی حرفه‌ای	PA	۰/۸۰۴	۰/۴۷۳
پاسخگویی فردی	IA	۰/۷۴۷	۰/۴۴۳
پاسخگویی به ذینفعان	SA	۰/۲۶۷	۰/۱۸۰

پس از برازش بخش اندازه‌گیری و ساختاری مدل پژوهش، به منظور کنترل برازش کلی مدل از معیاری با عنوان GOF استفاده شد که سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به عنوان مقادیر ضعیف،

متوسط و قوی برای آن معرفی شده است. این معیار از طریق رابطه (۲) محاسبه می‌گردد:

$$\text{GOF} = \sqrt{\text{Communalities}} \times R^2 \quad \text{رابطه (۲)}$$

Communalities از میانگین مقادیر اشتراکی متغیرهای مکنون پژوهش و R^2 میانگین مقادیر ضریب تعیین متغیرهای درون‌زای مدل است.

جدول ۹- میزان Communalities و R^2

R^2	Commuality	اختصار	متغیرهای مکنون
۰/۵۲۴	۱/۰۰	CK	شناخت حسابداری مدنی
۰/۵۳۴	۱/۰۰	CP	مشارکت حسابداری مدنی
۰/۵۹۸	۱/۰۰	CS	سیستم اطلاعات حسابداری مدنی
۰/۵۳۳	۱/۰۰	CT	استراتژی‌های حسابداری مدنی
۰/۴۴۱	۱/۰۰	CL	مشروعیت حسابداری مدنی
۰/۴۶۰	۱/۰۰	CF	آینده‌نگری حسابداری مدنی
—	۱/۰۰	CA	حسابداری مدنی
۰/۵۰۷	۰/۲۷۲	LA	پاسخگویی قانونی
۰/۸۰۴	۰/۲۱۷	PA	پاسخگویی حرفه‌ای
۰/۷۴۷	۰/۲۷۴	IA	پاسخگویی فردی
۰/۲۶۷	۰/۳۷۷	SA	پاسخگویی به ذینفعان

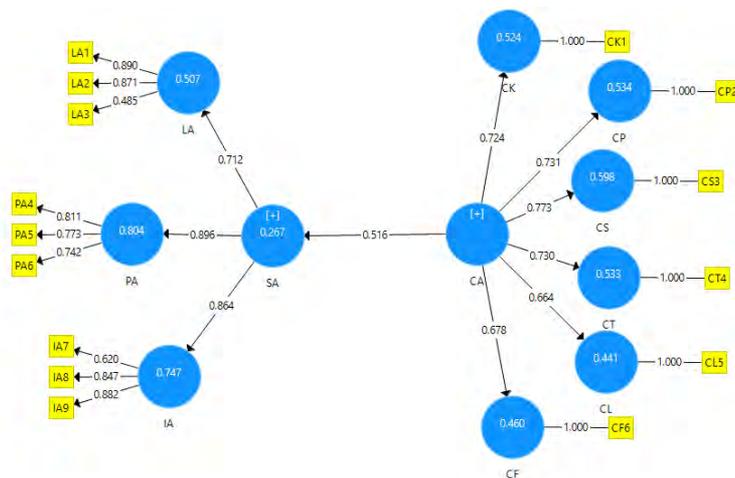
جدول ۱۰- نتایج برازش مدل کلی

GOF	R2	Commuality
۰/۶۳	۰/۵۴	۰/۷۴

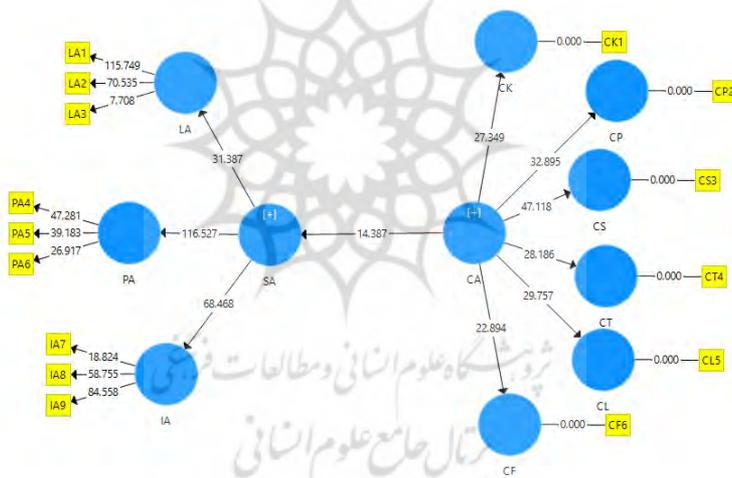
با توجه به مقدار به دست آمده برای GOF به میزان ۰/۶۳، برازش بسیار مناسب مدل کلی تأیید می‌شود.

۵-۲-۳. آزمون فرضیه‌های پژوهش

پس از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری و مدل ساختاری و داشتن برازش مناسب مدل کلی و با توجه به شکل‌های (۶) و (۷)، به بررسی نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود که نتایج آن در جدول (۱۱) ارائه شده است.



شکل ۶- مدل ساختاری فرضیه پژوهش همراه با ضرایب بارهای عاملی



شکل ۷- مدل ساختاری فرضیه پژوهش همراه با ضرایب معناداری

باتوجه به مدل ساختاری و ضرایب بار عاملی، در جدول (۱۱) نتیجه آزمون فرضیه پژوهش آمده

است.

جدول ۱۱- نتایج مربوط به آزمون فرضیه پژوهش

شرح	ضریب مسیر (β)	معناداری (T-Value)	نتیجه آزمون
حسابداری مدنی بر پاسخگویی به ذینفعان تأثیر دارد.	۰/۵۱	۱۴/۳۸	تأیید فرضیه

باتوجه به شکل (۶) و (۷)، ضریب استاندارد شده (ضریب مسیر)، ابعاد حسابداری مدنی بر

پاسخگویی به ذینفعان تأثیر مثبت و معناداری دارد، چراکه ضریب مسیر مثبت و برابر با ۰/۵۱

می‌باشد و آماره t نیز برابر با $۱۴/۳۸$ بوده، که با توجه به اینکه بزرگ‌تر از $۱/۹۶$ است، نتیجه فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

۶. نتیجه‌گیری

حسابداری مدنی در حوزه‌های مهارتی با ارتقاء سطح شناخت مدنی و ارتقاء سطح مشارکت‌های مدنی در حسابداری، در حوزه ساختاری با توسعه زیرساخت‌های سیستم اطلاعات مدنی و توسعه استراتژی‌های تعامل مدنی، در حوزه اجتماعی با کارکردهای بسط مشروعیت مدنی و کارکردهای بسط آینده‌نگری مدنی، بر مشروعیت اجتماعی حسابداری موثر واقع می‌گردد. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر حسابداری مدنی بر ارتقاء پاسخگویی شرکت به ذینفعان بود. نتایج نشان می‌دهد، حسابداری مدنی تأثیر مثبت و معناداری بر پاسخگویی به ذینفعان دارد. حسابداری مدنی به عنوان کارکردی در حال حرکت به سمت پایبندی به شکل‌دهی روابط اجتماعی، می‌تواند نقش مؤثری در پاسخگویی شرکت به ذینفعان ایفا نماید؛ زیرا با تغییر ماهیت شکل انتظارات ذینفعان در بسترهای اجتماعی همچون بازار سرمایه، دیگر الزاماً افشاء اطلاعات کمی‌گرایانه نمی‌تواند اقباع‌کننده نیازهای اطلاعاتی آنان باشد، بلکه با پیدایش گروه‌های غیررسمی و مردم‌نهادی مانند ان.جی.اوها.^۱ و فعالیت‌های رسانه‌ای در بستر شبکه‌های اجتماعی، امروز ماهیت انتظارات ذینفعان تغییر یافته و از حسابداری به عنوان ابزاری برای پاسخگویی، انتظار دارند تا جنبه‌های فراگیرتری از افشاء اطلاعات را مد نظر قرار دهد. بر این اساس، حسابداری با درک چنین انتظاراتی که برآمده از شکل‌یافتگی منسجم‌تر مدنیت‌گرایی در جوامع می‌باشد، از طریق گزاره‌های مدنیت‌سازی می‌بایست، هویت حسابداری را براساس معرفت‌شناسی رفتاری و ساختاری در مسیر برآورده نمودن خواسته‌ها و انتظارات اجتماعی قرار دهد. لذا، با تحول در آموزش‌های فردی و توسعه سطح توازن و برابری برای کارکرد در بستر این حرفه، اولاً، می‌تواند سطح شناخت‌های ادراکی و مهارتی را در متصدیان این حرفه تغییر دهد، سپس از طریق ساختارهای خود نسبت به انعکاس کارکردهای عملکردی خود به ذینفعان اقدام نمایند و با بکارگیری استراتژی‌های تعاملی مدنی، جایگاه حسابداری را در حرکت در مسیر اهداف اجتماعی فراگیر تقویت نمایند، تا در نهایت از طریق ارزش‌های اجتماعی بتواند نسبت به پیاده‌سازی حسابداری مدنی و برآورده نمودن خواسته‌های ذینفعان چه از طریق چشم‌اندازهای توسعه حرفه حسابداری و چه از طریق برآورده نمودن مشروعیت حرفه‌ای در حسابداری، اقدام‌های لازم را برای پاسخگویی منسجم به ذینفعان به کار گیرند؛ زیرا بیش از هر چیز دیگری، جوامع امروز به

پاسخگویی نیاز دارند و پاسخگویی می‌بایست از طریق قانونی، فردی و حرفه‌ای صورت گیرد که احتمالاً حسابداری مدنی به دلیل حوزه‌های مهارتی/فردی، ساختاری و اجتماعی بتواند همانطور که نتیجه این مطالعه نشان داد، به ارتقاء پاسخگویی شرکت به ذینفعان کمک نماید. نتیجه این بخش از مطالعه با پژوهش‌های زنیلاتو و ترینون-تودر (۲۰۲۲)، سیرسواردهانس و یاپا^۱ (۲۰۲۱)، آل‌محمد و همکاران^۲ (۲۰۲۱)، صفرزاده‌بندری و جودکی‌چگنی (۱۴۰۰) و کرمی و همکاران (۱۴۰۰) مطابقت دارد. با توجه به اهمیت موضوع حسابداری مدنی، به سیاست‌گذاران توصیه می‌شود تا با هدف توسعه بازار سرمایه جهت فراگیری حقوق همه ذینفعان، نسبت به یکپارچگی ساختار سیستم اطلاعات حسابداری تصمیم‌های اساسی اتخاذ شود، تا تحت وجود الزامات نهادی، مدیران شرکت‌ها، سیستم‌های اطلاعات مالی را به طور جدی‌تری در سطح واحدهای حسابداری توسعه دهند و کمک نمایند تا ظرفیت‌های ناشی از ایجاد چرخه اطلاعاتی با سرعت بیشتری بتواند به انتظارات حاکم بر بازار سرمایه واکنش نشان دهند. از طرف دیگر، باهدف مشروعیت‌زائی در حسابداری مدنی، تدوین‌کنندگان آیین‌نامه‌ها در سطح شرکت‌های بازار سرمایه می‌بایست از طریق تشکیل کمیته‌هایی باهدف ترویج برابری و عدالت، به شکل‌گیری حسابداری صنفی کمک نمایند، تا مانع از تضییع منافع حقوق اقلیت‌ها به دلیل عملکردهای تملک‌طلبانه واحد حسابداری شرکت‌ها گردند. همچنین باهدف مشروعیت‌افزایی به عملکردهای حسابداری، نهادهای نظارتی می‌بایست تلاش نمایند تا هنجارهای اجتماعی در خصوص رفتارهای کنشگری همچون خیریه‌ها، کمک به ساخت مدارس، بیمارستان‌ها و کلیه اموری که به ایجاد اعتماد در جامعه منجر می‌شود، را ترویج دهند. همچنین به سیاست‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری توصیه می‌شود، حوزه‌های رفتاری، اخلاقی و عملکردی شرکت‌ها را به گونه‌ای توسعه دهند که حقوق شهروندان به تساوی و برابری رعایت شود. لذا، می‌توان با ایجاد فضای باز اصلاح قوانین و آیین‌نامه‌ها، نسبت به مطلوبیت بیشتر کارکردهای اثرگذاری حسابداری در رعایت حقوق مدنی همچون افشاء اطلاعات زیست‌محیطی، سطح مشارکت سهامداران در انتقال انتظارات به هیئت مدیره، افزایش ضمانت‌های حقوقی حفاظت از منافع سهامداران و عدالت در خرید سهام بازار سرمایه، اقدامات لازم را انجام داد. در پایان به پژوهشگران توصیه می‌گردد با توجه پیامدهای مهم حسابداری مدنی در کسب مشروعیت اجتماعی و اعتبار حرفه‌ای، به نقش به این متغیر در بخش‌های دیگر تحقیقات مانند حسابداری مدیریت و حسابرسی نیز پرداخته شود.

منابع

- ارشدی، نسرين؛ هاشمی شیخ شبانی، سید اسماعیل (۱۳۸۸). رابطه عدالت سازمانی ادراک شده و انگیزه‌های رفتار مدنی سازمانی با رفتار مدنی سازمانی در یک سازمان صنعتی. *دست‌آوردهای روان‌شناختی*، ۱۶(۲)، ص ۲۱۹-۲۳۶.
- اقدام‌مزرعه، یعقوب؛ نیکومرام، هاشم؛ رهنمای رودپشتی، فریدون؛ بنی‌مهد، بهمن (۱۳۹۸). آزادی‌های مدنی و توسعه حسابداری. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۱(۴۳)، ص ۲۷-۴۸.
- بنایی قدیم، رحیم؛ واعظ، سید علی (۱۴۰۰). بررسی رابطه شاخص مسئولیت‌پذیری اجتماعی با قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری در مراحل چرخه عمر شرکت. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۸(۱)، ص ۱-۳۰.
- پرویشی، محمدعلی؛ عرب‌زاده، میثم؛ صفری گرایی، مهدی؛ قدرتی، حسن (۱۴۰۲). طراحی مدل حسابداری مدنی: مدل‌سازی بازنمایی سیستمی. *حسابداری و منافع اجتماعی*، ۱۳(۲)، ص ۱۶۹-۲۰۲.
- داوودی نصر، مجید؛ طالب‌نیا، قدرت‌اله؛ رویایی، رمضانعلی؛ صالحی‌امیری، سید رضا (۱۳۹۷). تبیین الگوی مناسب حسابرسی مسئولیت اجتماعی (اخلاق اجتماعی) شرکت‌ها از دیدگاه حقوق بشر و ارزش‌های اجتماعی با استفاده از رویکرد تحلیل عاملی اکتشافی و مدل‌سازی معادلات ساختاری. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۷(۲۵)، ص ۹۹-۱۲۲.
- صفرزاده‌بندری، محمدحسین؛ جودکی چگنی، زهرا (۱۴۰۰). حسابداری منافع اجتماعی در بخش عمومی. *حسابداری و منافع اجتماعی*، ۱۱(۲)، ص ۱۰۳-۱۲۵.
- کرمی، اصغر؛ غلامی جمکرانی، رضا؛ تقی‌پوریان، یوسف؛ حاجیها، زهره (۱۴۰۰). ارتقای سطح اعتماد اجتماعی با شناسایی و رتبه‌بندی راهبردهای بهبود کیفیت حسابرسی از دیدگاه ذینفعان به روش فازی دوزنقه‌ای. *حسابداری مدیریت*، ۱۴(۴۸)، ص ۱۰۳-۱۲۸.
- Al Mohameed, M., Belal, A., Gebreiter, F. & Lowe, A. (2021). Social accounting in the context of profound political, social and economic crisis: the case of the Arab Spring. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 34(5), p. 1080-1108. <https://doi.org/10.1108/AAAJ-08-2019-4129>
- Amonoo Nkrumah, B., Qian, W., Kaur, A. & Tilt, C. (2023). Stakeholder accountability in the era of big data: an exploratory study of online platform companies. *Qualitative Research in Accounting & Management*, 20(4), p. 447-484. <https://doi.org/10.1108/QRAM-03-2022-0042>
- Apostol, O.M. (2015). A project for Romania? The role of the civil society's counter-accounts in facilitating democratic change in society. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 28(2), p. 210-241. <https://doi.org/10.1108/AAAJ-07-2012-01057>
- Belkaoui, A. (1983). Economic Political and Civil Indicators and Reporting and Disclosure Adequacy Empirical Investigation. *Journal of Accounting and Public Policy*, 13(2), p. 207-219.
- Bovens, M. (2005). *Public Accountability*. In: the Oxford Handbook of Public Management; Ferlie, E., Lynne, L. & Pollitt, C., Eds. Oxford University Press.
- Bovens, M. (2007). Analysing and Assessing Accountability: A Conceptual Framework. *European Law Journal*, no.13, p. 447-468.
- Charles, K.D. (2001). *Organizational civility: Issues, problems and solutions to creating environments of civility in the workplace, advancing Oklahoma scholarship, research and institutional memory*. URL= <https://hdl.handle.net/11244/337>

- Chatterjee, S. & N.S., S. (2022). Artificial intelligence and human rights: a comprehensive study from Indian legal and policy perspective. *International Journal of Law and Management*, 64(1), p. 110-134. <https://doi.org/10.1108/IJLMA-02-2021-0049>
- Delgado, L.E. (2021). Accounting for Democracy: Excessive Subjects in a State of Consensus. *Boundary*, 48(3), p. 115–144. <https://doi.org/10.1215/01903659-9155761>
- Dubnick, M. (2005). Accountability and the Promise of Performance: In Search of the Mechanisms. *Public Performance and Management Review*, 28(3), p. 376–417.
- Erhardt, J., Freitag, M. & Filsinger, M. (2022). Leaving democracy? Pandemic threat, emotional accounts and regime support in comparative perspective, *Taylor&Francis online*, 46(3), p. 477–499. <https://doi.org/10.1080/01402382.2022.2097409>
- Erkkila, T. (2007). *Governance and Accountability: A Shift in Conceptualization*, *Public Administration Quarterly*. In: Annual Conference of European Group of Public Administration, p. 1-39.
- Favere-Marchesi, M. & Pincus, K.V. (2006). *The impact of accountability on the processing of nondiagnostic evidence*. In: Arnold, V., Clinton, B.D., Luckett, P., Roberts, R., Wolfe, C. & Wright, S. (Ed.), *Advances in Accounting Behavioral Research (Advances in Accounting Behavioural Research, Vol. 9)*. Emerald Group Publishing Limited, Bingley, p. 1-25. [https://doi.org/10.1016/S1475-1488\(06\)09001-6](https://doi.org/10.1016/S1475-1488(06)09001-6)
- Ferrera, V., Pié, L. & Terceño, A. (2021). Economic impact of the bioeconomy in Spain: Multiplier effects with a bio social accounting matrix. *Journal of Cleaner Production*, 298(1), p. 1-23. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2021.126752>
- Goddard, A. (2021). Accountability and accounting in the NGO field comprising the UK and Africa – A Bordieusian analysis. *Critical Perspectives on Accounting*, 78(2), p. 105-134. <https://doi.org/10.1016/j.cpa.2020.102200>
- Gray, R., Andrew, B. & Jeff, M. (2013). New accounts: Towards a reframing of social accounting. *Accounting Forum*, 3(4), p. 45-67.
- Gray, R., Bebbington, J. & Collison, D. (2006). NGOs, civil society and accountability: making the people accountable to capital. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 19(3), p. 319-348. <https://doi.org/10.1108/09513570610670325>
- Greenhalgh, K. & Harradine, D. (2014). Civil society commissioning: the accounting contribution to strategy. *Public Money & Management*, 34(1), p. 19-26. <https://doi.org/10.1080/09540962.2014.865928>
- Hall, M. & O'Dwyer, B. (2017). Accounting, non-governmental organizations and civil society: The importance of nonprofit organizations to understanding accounting, organizations and society. *Accounting, Organizations and Society*, 63(4), p. 1-5. <https://doi.org/10.1016/j.aos.2017.11.001>
- Katz, D. (1964). The motivational basis of organizational behavior. *Behavioral Science*, 9(2), p. 131-146.
- Killian, Sh. & O'Regan, Ph. (2016). Social accounting and the co-creation of corporate legitimacy. *Accounting, Organizations and Society*, 50(1), p. 1-12. <https://doi.org/10.1016/j.aos.2016.02.004>
- Laughlin, R.C. (2007). Critical reflections on research approaches, accounting regulation and the regulation of accounting. *The British Accounting Review*, 39(4), p. 271-289. <https://doi.org/10.1016/j.bar.2007.08.004>

- Lazkano, L. & Beraza, A. (2019). Social Accounting for Sustainability: A Study in the Social Economy. *Sustainability*, 11(2), p. 68-94. <https://doi.org/10.3390/su11246894>
- Leoni, G., Lai, A., Stacchezzini, R., Steccolini, I., Brammer, S., Linnenluecke, M. & Demirag, I. (2022). The pervasive role of accounting and accountability during the COVID-19 emergency. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 35(1), p. 1-19. <https://doi.org/10.1108/AAAJ-10-2021-5493>
- Lepistö, S., Dobroszek, J., Lepistö, L. & Zarzycka, E. (2020). Controlling outsourced management accounting to build legitimacy. *Qualitative Research in Accounting & Management*, 17(3), p. 435-463. <https://doi.org/10.1108/QRAM-05-2019-0062>
- Li, P., Lai, J., Zhou, D., Yang, Y., Wu, W. & Fang, J. (2023). Multi-authority anonymous authentication with public accountability for incentive-based applications. *Computer Networks*, 231(1), p. 362-379. <https://doi.org/10.1016/j.comnet.2023.109828>
- Mulgan, R. (2003). One Cheer for Hierarchy-Accountability in Disjointed Governance. *Political Science*, 55(2), p. 6-18.
- Newell, G. & Marzuki, M.J.B. (2018). The significance and performance of property companies on the AIM stock market. *Journal of European Real Estate Research*, 11(1), p. 96-129.
- Petersmann, E.U. (2019). *Constitutional functions and constitutional problems of international economic law*. Routledge.
- Retolaza, J.L. & San-Jose, L. (2021). Understanding Social Accounting Based on Evidence. *SAGE Open*, p. 1-14. <https://doi.org/10.1177/21582440211003865>
- Sinclair, A. (1995). The Chameleon of Accountability: Forms and Discourses. *Accounting Organizations and Society*, 20(2), p. 219-237.
- Siriwardhane, P. & Yapa, P.W.S. (2021). Human Rights from a Social Accounting Perspective in a Postconflict Environment: The Case of Sri Lanka. *Australasian Accounting, Business and Finance Journal*, 15(4), p. 93-120.
- Smith, C.A., Organ, D.W. & Near, J.P. (1983). Organizational citizenship behavior: Its nature and antecedents. *Journal of Applied Psychology*, 68(4), p. 653-663.
- Tran, V.T. & et al. (2022). Factor affecting the implementation of responsibility accounting on firm performance – Empirical analysis of listed textile firms. *Cogent Business & Management*, 9(1), p. 203-226. <https://doi.org/10.1080/23311975.2022.2032912>
- Walsh, B.M. & Magley, V. (2020). Workplace civility training: understanding drivers of motivation to learn. *The International Journal of Human Resource Management*, 21(17), p. 2165-2187. <https://doi.org/10.1080/09585192.2018.1441164>
- Zanellato, G. & Tiron-Tudor, A. (2022). How cultural dimensions are shaping social expectations: the case of European state-owned enterprises' nonfinancial reporting. *Journal of Applied Accounting Research*, 23(1), p. 99-121. <https://doi.org/10.1108/JAAR-04-2021-0116>